

بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی (مطالعه موردی با رویکرد Panel Data)

دکتر مرتضی سامتی*

روح‌اله شهنازی**

زهره دهقان شبانی***

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۵/۵/۱۵

تاریخ ارسال: ۱۳۸۴/۹/۲۲

چکیده

فساد مالی یا سوء استفاده از قدرت دولتی برای کسب منافع شخصی، رویدادی است که در نظامهای اداری و سیاسی کشورهای مختلف شایع است. این رویداد دارای عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی است. از جمله مهم‌ترین این عوامل سلب آزادی اقتصادی است که از طریق دخالت بیش از حد دولت و نهادهای مرتبط، زمینه‌ساز گسترش فساد مالی در سطح خرد (فساد اداری) و کلان (فساد سیاسی) می‌گردد. این مقاله ابتدا به تشریح عوامل مؤثر بر فساد مالی پرداخته و مسیرهای اثرگذاری آزادی اقتصادی بر فساد مالی را بررسی می‌کند؛^۱ سپس با استفاده از سه مدل، به بررسی اثر آزادی اقتصادی و اجزای آن بر فساد مالی می‌پردازد. این مدلها، با رویکرد Panel Data برای ۷۳ کشور طی چهار سال (۲۰۰۳-۲۰۰۰) برآورد شده است. نتایج، بیانگر اثر مثبت و معنی‌دار سه جزء اصلی آزادی اقتصادی (ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت؛ پول سالم؛ آزادی مبادله با خارجیها) و اثر بی‌معنی دو جزء دیگر (اندازه دولت و قوانین و مقررات) بر فساد مالی است.

طبقه‌بندی JEL : F41, D73, C23

واژگان کلیدی: فساد مالی، آزادی اقتصادی، Panel Data.

* دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان

e-mail: sameti@ase.ui.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه اصفهان

e-mail: rshahnazi2004@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه اصفهان

۱. در این مقاله از شاخص فساد مالی سازمان شفافیت مالی و شاخص آزادی اقتصادی بنیاد فریزر استفاده شده است.

۱. فساد مالی

۱-۱. تعریف فساد مالی

فساد مالی، معادل واژه Corruption در زبان انگلیسی است که از ریشه لاتین Corruptere به معنی شکست یا نقص گرفته شده و مفهوم آن، این است که چیزی شکسته می‌شود. آن چیز می‌تواند قوانین و مقررات اخلاقی یا اجتماعی یا به احتمال قوی‌تر قواعد و مقررات اداری باشد (میرجلیلی، ۱۳۸۱).
تعریف کارکردی فساد مالی از نظر بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و مراجع دیگر، سوء استفاده از قدرت دولتی برای کسب منافع شخصی است (رهبر، ۱۳۸۱). رزآکرم (Rose Ackerman, 1978)، لکینگارد (Klibgaard, 1988)، شیلفر و ویشنی (Shleifer and Vishny, 1993) فساد مالی را پرداخت غیرقانونی کارگزاران بخش عمومی برای کسب منفعتی که استحقاقش را ندارند یا سوء استفاده کارمندان دولت برای منفعت خصوصی تعریف می‌کنند (Hongyi, Colin & Zou, 2000).
با بررسی تعاریف موجود در زمینه فساد مالی، می‌توان به این نتیجه رسید که در همه تعاریف، فساد مالی، یک نقل و انتقال منافع بین بخش دولتی و خصوصی است که طی آن منافع عمومی به سمت منافع خصوصی سوق می‌یابد.

۱-۲. عوامل مؤثر بر فساد مالی

فساد مالی ناشی از عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی است. شناخت همه‌جانبه این عوامل، از پیش‌نیازهای مبارزه جدی با فساد مالی است. بررسی علل و عوامل فساد مالی در علم اقتصاد، به ۳۰ سال قبل باز می‌گردد، زمانی که اقتصاددانان موضوع رانت‌جویی را مطرح کردند و فعالیت‌های رانت‌جویی غیرقانونی، فساد مالی نامیده شد (میرجلیلی، ۱۳۸۱).
از نظر تانزی، عوامل مؤثر بر فساد مالی در بخش دولتی به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شوند. عواملی که به طور مستقیم در بروز فساد مالی نقش دارند، عبارتند از: مقررات و اختیارات دولت، مقررات مالیاتی، تصمیم‌گیری‌های مربوط به مخارج دولت، عرضه کالا و خدمات در زیر قیمت‌های بازار، و تصمیم‌هایی که در جهت مصلحت و تأمین مالی احزاب باشد. عواملی که به طور غیرمستقیم بر فساد مالی مؤثرند شامل کیفیت بروکراسی، سطح دستمزدهای بخش عمومی، نظام مجازات، کنترل‌های نهادی، شفافیت قواعد، قوانین و فرایندها، و الگوی رفتار رهبران می‌باشند (Tanzi, 1998).
U.N.D.P در مطالعه‌ای، علل اقتصادی فساد مالی در بخش دولتی را به این شرح برمی‌شمرد: پرداختهایی که عرضه و تقاضا را برابر می‌کند (یعنی شکاف عرضه و تقاضا عاملی است که در کارکنان و مسئولان دولتی انگیزه ایجاد می‌کند)؛ پرداخت برای کسب امتیازهای بنگاه‌هایی که قرار است خصوصی شوند؛ پرداخت برای خرید اطلاعات یا نفوذ سیاسی؛ و پرداخت برای اثرگذاری بر تصمیم‌های قضایی (U.N.D.P, 1997).

پائولو مائورو ریشه‌های فساد مالی در بخش دولتی را محدودیتهای تجاری، یارانه‌های دولت، کنترل‌های قیمتی، نرخ چندگانه ارز و برنامه تخصیص آن، دستمزدهای پایین بخش دولتی، ذخایر منابع طبیعی و عوامل جامعه شناختی بیان می‌کند (Mauro, 1998).

بنکلاس پاساس علل وقوع فساد مالی را عدم تقارن اطلاعات از جمله عدم تقارن مقررات در بانکداری و نظام مالیاتی؛ عدم تقارن‌های اجرایی در نظام اداری ناکارآمد؛ و عدم تقارن‌های اقتصادی از ناحیه توزیع درآمد می‌داند که این عدم تقارن‌ها، بازار کالاها و خدمات غیرقانونی را تغذیه می‌کند؛ شفافیتها را کاهش می‌دهد؛ مانع حسابرسی جهت کنترل فعالیت‌های غیرقانونی می‌شود؛ سبب افزایش انگیزه اقدامات و معاملات غیرقانونی می‌گردد؛ و در بخشی از جامعه ایجاد یأس می‌کند و توجیه فساد مالی برای باز توزیع ثروت را تقویت می‌سازد. عدم تقارن عرضه و تقاضا به دلیل مداخله دولت در بازار از طریق اجرای سیاست‌های حمایتی مانند یارانه یا کنترل قیمت ایجاد می‌شود و شرایط لازم را برای انواع قاچاق کالا فراهم می‌سازد. بنابراین عدم تقارن اطلاعات زمینه بروز فساد مالی است (Passas, 1999).

۳-۱. راهبردهای مبارزه با فساد مالی^۱

راهبردهای ضد فساد مالی به طور عمده بر اساس نوع ابزارهای سیاستگذاری پیشنهادی، نوع انگیزه مبارزه، مقام و موقعیت کارگزاران موردنظر، تأثیر احتمالی سیاستگذاری و نوع سازمان آغازکننده راهبرد و مبارزه با فساد مالی ارائه می‌شود. گسترده‌ترین و مفصل‌ترین راهبردهای مبارزه با فساد مالی توسط بانک جهانی مطرح شده است. راهبردهای این سازمان در زیر به طور خلاصه بیان شده و در نمودار (۱) ارائه می‌گردد.

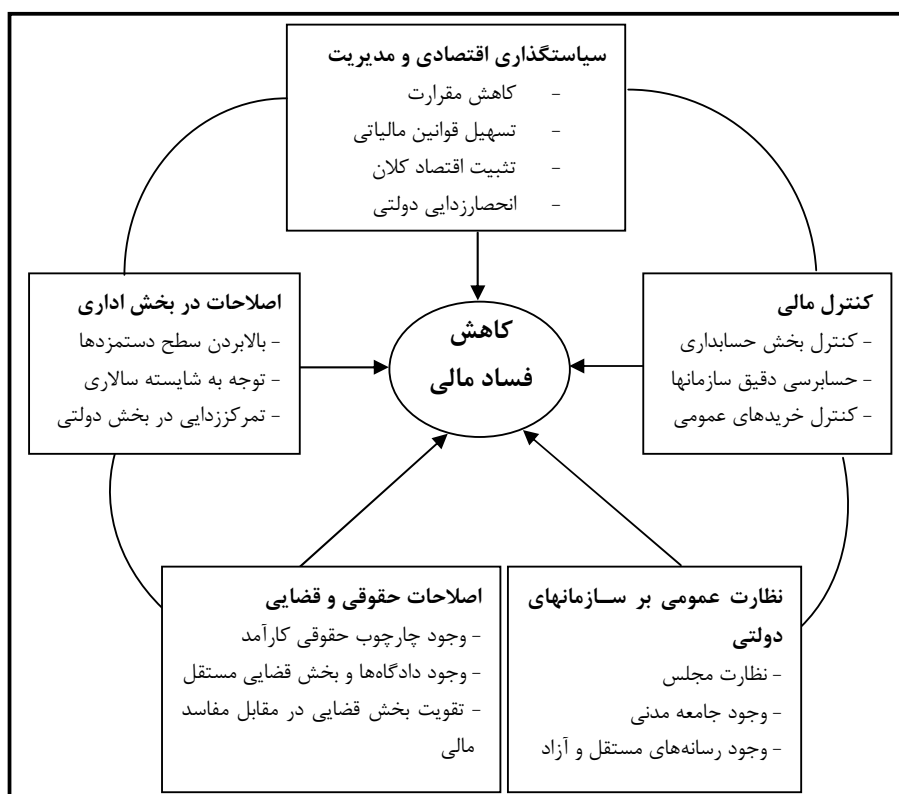
بانک جهانی (۲۰۰۰) در تدوین شاخص سیاستگذاری، توصیه می‌کند که یک راهبرد مؤثر ضد فساد مالی می‌باید:

- ۱- رانتها را به وسیله آزادسازی اقتصادی، کاهش مقررات، ساده‌سازی قوانین مالیاتی، انحصارزدایی و تثبیت اقتصاد کلان، از بین ببرد.
- ۲- اختیارات خودسرانه را از طریق اصلاح بخش اجرایی و اداری از جمله شایسته‌گزینی و تمرکززدایی کاهش دهد.
- ۳- قابلیت پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری را با روشهای زیر افزایش دهد:
 - تأسیس نهادهایی مانند واحدهای حسابرسی و حسابداری
 - اصلاحات قانونی نظیر تقویت قضایی
 - تشویق نظارت عمومی از طریق مجلس و جامعه مدنی هوشیارتر و حساس‌تر

۱. برای توضیح کامل مراجعه شود به رهبر (۱۳۸۱)، ص ۶۹.

موارد ۱ و ۲ به طور عمده تعداد احتمالی وقوع فساد مالی در یک اقتصاد را کاهش می‌دهد و مورد ۳ بر احتمال افشا و دستگیری فاسدان تأکید دارد.

نمودار-۱. راهبردهای ارائه شده در جهت مبارزه با فساد مالی توسط بانک جهانی



منبع: رهبر، میرزاوند، زال پور (۱۳۸۱)، به نقل از بانک جهانی (۲۰۰۰).

قابل ذکر است که مجموعه اقدامات سیاستگذاری برای مبارزه با فساد مالی که در نمودار (۱) ارائه گردیده، بر این فرض استوار است که هدف کارفرما، کاهش فساد مالی است. مجموعه این اقدامات شامل اصلاح در نظامهای انگیزهای و روشهای سازمانی است و توجه دقیق به این راهبردها گویای رابطه مستقیم برخی از آنها با آزادی اقتصادی است.

۲. آزادی اقتصادی

۲-۱. تعریف آزادی اقتصادی

آزادی اقتصادی به معنای آزاد بودن افراد در دخل و تصرف، معاوضه، مبادله و واگذاری داراییهای شخصیشان است که از طریق قانونی به دست آورده‌اند.

بنیاد هریتیج، آزادی اقتصادی را معیاری می‌داند که بر طبق آن افراد آزادند به تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات بپردازند (جانسون ۱۹۹۹). به عقیده طراحان شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج، از آنجا که آزادی به عنوان «نبود الزام، فشار یا محدودیت در انتخاب عمل» است و اقتصاد مرتبط با تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات می‌باشد، می‌توان آزادی اقتصادی را به صورت «نبود تحمیل یا محدودیت بر تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات» تعبیر کرد (جانسون ۱۹۹۹).

گارتنی^۱، آزادی اقتصادی را این گونه تعریف می‌کند: «افراد دارای آزادی اقتصادی خواهند بود اگر: ۱- دارایی که کسب می‌کنند بدون استفاده از زور، تقلب و یا سرقت باشد و همچنین در برابر تجاوز دیگران حفظ گردد. ۲- افراد آزادند که داراییهایشان را استفاده، مبادله و یا نگهداری کنند بدون آنکه موجب تضعیف حقوق دیگران گردد.»

توجه به دو تعریف ارائه شده در بالا نشان می‌دهد ارتباط نزدیکی بین آنها وجود دارد. گارتنی آزادی اقتصادی را از جانب افراد یا تقاضاکنندگان آزادی تعریف می‌کند، اما در تعریف بنیاد هریتیج بر محدودکنندگان آزادی یعنی دولت تأکید شده است.

برای کمی‌کردن و اندازه‌گیری آزادی اقتصادی چند شاخص ابداع شده که از جمله مهم‌ترین آنها شاخص بنیاد هریتیج و شاخص بنیاد فریزر می‌باشد که با توجه به اعتبار بیشتر شاخص فریزر و دامنه آماری گسترده‌تر آن، در این مقاله شاخص بنیاد فریزر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲-۲. شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر

مایکل واکر^۲، مدیر اجرایی مؤسسه فریزر و میلتن فریدمن، برنده جایزه نوبل اقتصاد، کنفرانسهایی را برای تعریف و اندازه‌گیری آزادی اقتصادی ترتیب دادند که در آن افراد برجسته‌ای چون گری بکر^۳، داگلاس نورث^۴، و پیتر باوئر^۵ شرکت می‌کردند. این نشستها در نهایت به انتشار گزارش آزادی اقتصادی جهان (۲۰۰۵-۱۹۷۵) انجامید و نیز شبکه آزادی اقتصادی سازمان یافت که در آن گروهی از مؤسسه‌های بیش از ۵۰ کشور به جستجو و تحقیق درباره تهیه بهترین شاخص آزادی اقتصادی پرداختند. از آن زمان گزارشهای سالانه آزادی اقتصادی جهان، به طور مرتب تهیه و منتشر شده است.

1. Gwartney

2. Michael Wakler

3. Gary Becker

4. Douglass North

5. Peter Bauer

تهیه‌کنندگان این شاخص بر این باورند که اصلی‌ترین اجزای آزادی اقتصادی را انتخاب شخصی^۱ حمایت از داراییهای خصوصی و آزادی مبادله تشکیل می‌دهد. بنابراین شهروندان یک جامعه در صورتی از آزادی اقتصادی برخوردارند که اولاً، داراییهایی را که غیر از راه زور، فریب و سرقت به دست آورده‌اند، از تعرض دیگران در امان باشد، ثانیاً بتوانند آزادانه از این داراییها استفاده کنند، آنها را مبادله کنند و یا به دیگران ببخشند، در عین حال که با این آزادی، متعرض حقوق مشابه دیگر شهروندان نشوند. شاخص آزادی اقتصادی، شاخصی موزون و مرکب از ۳۸ متغیر فرعی است که در پنج متغیر اصلی با وزنهای متفاوت، طراحی شده است. این پنج متغیر عبارتند از:

۱. اندازه دولت
 ۲. ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت
 ۳. دسترسی به پول سالم
 ۴. آزادی در مبادله با خارجیان
 ۵. ضوابط و مقررات اعتباری، بازار کار و کسب و کار
- در جدول (۴) شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر به تفکیک ۳۸ زیر بخش آن آمده است. برای هر یک از این متغیرها بر اساس رابطه زیر عددی بین صفر و ده به دست می‌آید.

$$\frac{V_i - V_{\min}}{V_{\max} - V_{\min}} * 10$$

که در آن، V_i مقدار متغیر در هر کشور، V_{\max} بالاترین مقدار متغیر در بین کشورها، و V_{\min} کمترین مقدار در بین کشورها می‌باشد.

از آنجا که در این شاخص اعداد بزرگ‌تر نشانگر آزادی اقتصادی بیشتر است. برای متغیرهایی چون تورم که رابطه عکس با آزادی اقتصادی دارند از رابطه زیر استفاده می‌گردد.

$$\frac{V_{\max} - V_i}{V_{\max} - V_{\min}} * 10$$

با محاسبه میانگین وزنی اعداد به دست آمده از ۳۸ متغیر مختلف، شاخص آزادی اقتصادی برای هر کشور به دست می‌آید که مقداری بین صفر تا ده خواهد داشت. هر قدر این عدد بزرگ‌تر و به ده نزدیک‌تر باشد نشان از وجود آزادی اقتصادی بیشتر در آن کشور دارد (Gwarteny&Lawson, 2004)، به این معنی که در متغیر اندازه دولت هر قدر مصرف، مالیاتها و سوبسیدهای دولت کمتر باشد، امتیازی که شاخص فریزر به آن می‌دهد بیشتر است. در متغیر دوم هر چه ساختار قضایی مستقل‌تر بوده و حمایت از حقوق مالکیت افراد بیشتر باشد، امتیاز شاخص بیشتر است. در متغیر پول سالم، هر چه میزان

تورم و کاهش قدرت خرید پول کمتر باشد، امتیاز شاخص بیشتر است. در زمینه آزادی مبادله با خارجیها، هر قدر محدودیتهای تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای بر ورود و خروج کالا، خدمات و سرمایه کمتر باشد، امتیاز شاخص آزادی اقتصادی بیشتر است و در نهایت در مورد ضوابط و مقررات مربوط به بازارهای کار، اعتبار و کسب و کار هر چه قوانین محدودکننده ورود به بازارهای مختلف کمتر باشد، درجه شاخص آزادی اقتصادی بیشتر است.

۳. اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی

با توجه به تعاریف، عوامل و راهبردهای بیان شده از فساد مالی و تعاریف و شاخصهای آزادی اقتصادی که در بر گیرنده جوانب مختلف آزادی اقتصادی است، این بخش به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی می‌پردازد.

آزادی در تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات، فقدان مقررات اضافی بر نیروی کار، اعتبار و تجارت، شفافیت در عملکرد و قوانین دولت، وجود پول سالم، دستگاه قضایی مستقل و آزادی مبادله و تجارت با خارجیان سبب کاهش تمامی گونه‌های فساد مالی از جمله رشوه، اختلاس، اخاذی، تبعیض‌گرایی، قوم‌گرایی و تقلب می‌گردد.

اگر افراد به راحتی بتوانند مجوزهای لازم برای انجام کارهای اقتصادی خود را بگیرند، در شرایط رقابتی قرار داشته باشند، و دولت مکانیسم بازار را مختل نکرده باشد فساد مالی تا حد زیادی کاهش می‌یابد. عدم نیاز به ارتباط با کارمندان دولتی برای انجام کارها و یا فقدان قوانین و مقررات سخت‌گیرانه سبب کاهش رشوه و تبعیض‌گرایی می‌گردد. تانزی (Tanzi, 1998) معتقد است که در بسیاری موارد، وجود مقررات باعث ایجاد فساد مالی می‌گردد.

یکی از بخشهای اصلی شاخص آزادی اقتصادی، اندازه دولت است. نقش دولت در فساد مالی بسیار تعیین‌کننده است. گری بکر برنده جایزه نوبل اقتصاد در بیان افراطی و حدی می‌گوید: در صورت حذف دولت، فساد مالی نیز از بین می‌رود (تانزی، ۱۹۹۸). این جمله با تعاریفی که از فساد مالی صورت گرفت کاملاً مطابقت دارد زیرا همان‌گونه که بیان شد؛ فساد مالی، استفاده از پست دولتی برای به دست آوردن منافع شخصی است و اگر بخش دولتی وجود نداشته باشد، فسادی صورت نمی‌گیرد. البته در شرایط واقعی، چنین امری محال است و بکر فقط در صدد بیان اهمیت فوق‌العاده دولت در ایجاد فساد مالی است. از آنجا که انتظار حذف کامل دولت، واقع‌بینانه نیست؛ انتظار حذف کامل فساد مالی نیز واقع‌بینانه نمی‌باشد.

فساد مالی در جایی که محدودیت و مداخله دولت سبب ایجاد یک سود نامعقول می‌گردد، افزایش می‌یابد و همچنین ایجاد قدرت انحصاری برای کارمندان دولتی به منظور دادن مجوزهای مختلف به بخش خصوصی سبب می‌شود این کارکنان به آسانی از صدور مجوز امتناع کرده یا مدت زیادی کارفرمایان را معطل نگهدارند و تقاضای رشوه کنند. رز آکرمن معتقد است به هر مأموری منطقه نفوذ به

طور مشخص تعریف شده‌ای را که در کنترل انحصاری او باشد، نباید داد بلکه باید حوزه اختیارات او را رقابتی کرد. چنانکه اگر کار ارباب رجوع توسط مأموری به خوبی انجام نشد، بتواند به مأمور دیگری رجوع کند. زمانی که تباری مأمورین دولتی مشکل باشد، رقابت می‌تواند سطح رشوه را به صفر برساند (Rose - Akerman, 1978).

محدودیت آزادی اقتصادی در زمینه امور مالیاتی و گمرکی و نرخهای مالیاتی بیش از حد، قدرت بیش از حد دولت و انحصارات دولتی در فعالیتهای مرتبط با صدور مجوزها و امتیازهای لازم برای فعالیتهای مختلف، فقدان شفافیت عمومی در عملکرد دولت، اختیارات خودسرانه گسترده و قدرت انحصاری مقامات دولتی سبب افزایش فساد مالی می‌گردد.

نکته مهم در اینجا این است که صرف اندازه و مداخله دولت نمی‌تواند عامل اثرگذاری در فساد مالی باشد، برای مثال اگر چه در کشورهایی مانند سوئد، دانمارک و نروژ اندازه دولت بسیار بزرگ است، ولی میزان فساد مالی در این کشورها بسیار پایین است. نکته اساسی اینجاست که مداخله دولت هنگامی سبب افزایش فساد مالی می‌شود که دولت در سازوکار بازار اختلال ایجاد کند و صف و بازار سیاه رواج پیدا کند.

محدودیتهای تجاری، از دیگر عوامل مؤثر بر فساد مالی است که در شاخص آزادی اقتصادی به روشنی به آن اشاره شده است. اگر واردات کالاهای مهم مشروط به محدودیت زیادی باشد، مجوزهای لازم برای واردات، بسیار با ارزش می‌شود و برخی واردکنندگان و دست‌اندرکاران بازرگانی خارجی را به فساد مالی ترغیب می‌کنند. از سوی دیگر، این محدودیتهای تجاری، ریشه انحصار در صنایع داخلی شده و صنعتگران داخلی برای ایجاد و حفظ آن انحصار، تعرفه‌های بالایی بر واردات تحمیل خواهند کرد (Mauro, 1997). عامل دیگر مؤثر بر فساد مالی، وجود حقوق گمرکی است که نتیجه آن قاچاق کالاهاست. از آنجا که معمولاً گمرک فرایندی پرهزینه و پیچیده بر سر راه واردات قانونی کالاهاست، سبب کاهش آزادی اقتصادی و افزایش فساد مالی می‌گردد.

گری بکر با توجه به تحلیل کلاسیک جلوگیری از جرم، معتقد است که مجازاتها نقش مهمی در کاهش احتمال وقوع جرم دارد و افزایش مجازاتها باعث کاهش فساد مالی می‌شود. بنابراین قوانین جزایی و کیفری، ساختار قانونی قوی، و وجود دادگاههای مستقل (بخش دوم شاخص آزادی اقتصادی بنیاد فریزر) عوامل مهمی در تعیین دامنه فساد مالی هستند. نبود شفافیت در قواعد و فرایندها، زمینه‌های مساعدی برای فساد مالی ایجاد می‌کند. توجه به نوع و شدت مقررات اعتبار، کار و تجارت در شاخص آزادی اقتصادی از دیگر متغیرهای اثرگذار آزادی اقتصادی بر فساد مالی است.

۴. محدودیت آزادی اقتصادی زمینه‌ساز فساد مالی

بررسی علل و عوامل فساد مالی از نظر تانزی، U.N.D.P، مائورو، و پاساس که در ابتدای مقاله بیان شد، نشان می‌دهد که این عوامل به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در ساختار شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر مورد توجه قرار گرفته‌اند. همچنین از پنج عنصر اصلی شاخص آزادی اقتصادی، چهار عنصر

اندازه دولت، ساختار قضایی و حقوق مالکیت، آزادی در مبادله با خارجی‌ان و ضوابط و مقررات اعتباری، بازار کار و کسب و کار به طور مستقیم بر فساد مالی اثر می‌گذارند.

جدول (۱) ارتباط بخشهای مختلف شاخص آزادی اقتصادی بنیاد فریزر با مجموعه عوامل مؤثر بر فساد مالی از نظر تانزی، U.N.D.P، مائورو، و پاساس را نشان می‌دهد. در این جدول مشخص است که بخش اول شاخص آزادی اقتصادی^۱ یعنی اندازه دولت اثر کاملاً مؤثری بر برخی عوامل فساد مالی از جمله مداخله‌های غیرضروری دولت، نظام مالیاتی ناکارآمد، تصمیمهای مربوط به مخارج دولتی، عرضه کالاها و خدمات در پایین‌تر از قیمت بازار و کنترلهای نهادی دارد. بخش دوم شاخص آزادی اقتصادی، ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت است که تأثیر زیادی بر نظام مجازات و کنترلهای نهادی دارد و

جدول-۱. ارتباط اجرای شاخص آزادی اقتصادی بنیاد فریزر با علل و عوامل مؤثر بر فساد مالی از نظر تانزی، U.N.D.P، مائورو، و پاساس

بخشهای شاخص آزادی اقتصادی	علل و عوامل مؤثر بر فساد مالی
اندازه دولت	۱- مداخله‌ها و تعهدهای غیر ضروری دولت ۲- نظام مالیاتی نا کار آمد و غیر شفاف ۳- تصمیمهای مربوط به مخارج دولتی ۴- عرضه کالاها و خدمات در پایین‌تر از قیمت بازار ۵- کنترلهای نهادی
ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت	۱- نظام مجازات ۲- کنترلهای نهادی
پول سالم	۱- کنترلهای نهادی
آزادی مبادله با خارجیها	۱- محدودیتهای تجاری ۲- کنترلهای نهادی
ضوابط و مقررات در بخش اعتبارات، نیروی کار و کسب و کار	۱- وضعیت نظام اداری ۲- شفافیت در قواعد و قوانین ۳- کنترلهای نهادی

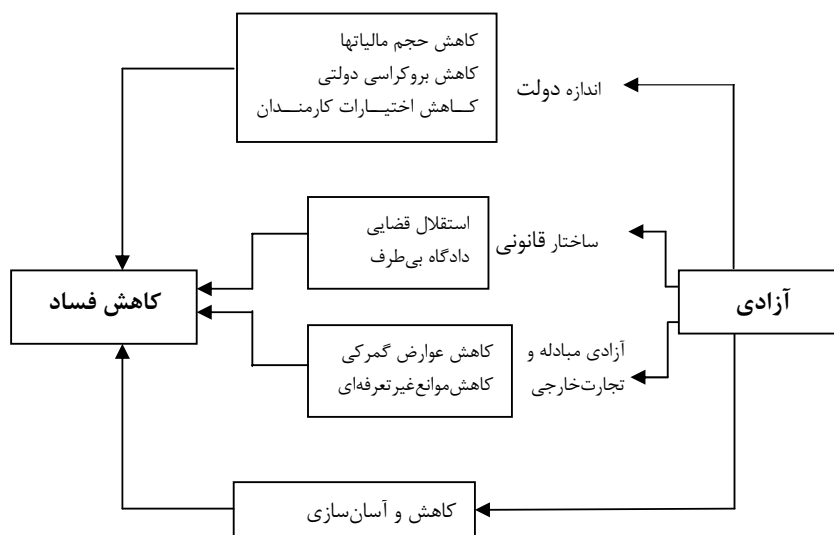
از این طریق بر فساد مالی مؤثر است. بخش چهارم شاخص آزادی اقتصادی، آزادی مبادله با خارجیهاست که شاخص جایگزین مناسبی برای وجود محدودیتهای تجاری می‌باشد. بخش پنجم شاخص آزادی اقتصادی، ضوابط و مقررات مربوط به بازارهای کار، اعتبار و کسب و کار است که بیانگر وضعیت نظام اداری، کنترلهای نهادی و شفافیت در قواعد و قوانین می‌باشد و تأثیر مستقیم بر فساد مالی دارد.

۱. در جدول (۴) تمام بخشها و زیر بخشهای شاخص آزادی اقتصادی موسسه فریزر مشخص شده است.

قابل ذکر است، برخی از راهبردهای بانک جهانی برای مبارزه با فساد مالی (طبق نمودار (۱)) از جمله کاهش مقررات، تسهیل قوانین مالیاتی و انحصارزدایی دولتی از سری راهبردهای سیاستگذاری اقتصادی و مدیریتی است؛ خریدهای عمومی و بخش کنترل‌های مالی، چارچوب حقوقی، استقلال قضایی و تقویت قضایی از سری راهبردهای اصلاحات حقوقی - قضایی است و تمرکززدایی از سری راهبردهای اصلاحات بخش اداری است که با افزایش آزادی اقتصادی تحقق می‌یابد.

در نمودار (۲) نیز بطور خلاصه مسیرهای اثرگذاری آزادی اقتصادی بر کاهش فساد مالی بیان گردیده است.

نمودار-۲. مسیرهای اثرگذاری آزادی اقتصادی بر کاهش فساد مالی



۵. تحقیقات انجام شده

گراف و مهلکوپ (Graeff and Mehlkop, 2002) در مقاله‌ای به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی پرداخته‌اند. آنها هفت زیربخش برای شاخص آزادی اقتصادی در نظر گرفته‌اند که عبارت است از: ۱- اندازه دولت، ۲- ساختار اقتصادی مبتنی بر نظام بازار، ۳- سیاست پولی و ثبات قیمت‌ها، ۴- آزادی ورود و خروج ارز، ۵- ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت، ۶- آزادی تجارت و ۷- آزادی مبادله در بازارهای سرمایه و مالی.

گراف و مهلکوپ اثر این متغیرها را بر فساد مالی، در دو دسته کشورهای فقیر و ثروتمند به صورت داده‌های مقطعی از روش Ols برآورد کردند و به این نتیجه رسیدند که در کشورهای فقیر متغیرهای آزادی ورود و خروج ارز و آزادی مبادله در بازارهای مالی و سرمایه، اثر منفی و معنی‌داری بر فساد مالی دارند و در کشورهای ثروتمند متغیرهای اندازه دولت، ساختار قضایی، و امنیت حقوق مالکیت. آلباندرو، چافون و گازمن (Alejandro, Chafuen and Guzman, 2003) در مقاله‌ای به مطالعه و بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی پرداختند. این مطالعه طی یک دوره ۲۰ ساله ۱۹۹۵-۱۹۷۵ برای ۱۰ کشور صورت گرفته که نتایج، بیانگر اثر منفی آزادی اقتصادی بر فساد مالی است. روز-آکرمن (RoseAckerman, 1999) در مطالعه خود به این نتیجه رسید که فساد مالی زمانی توسعه می‌یابد که آزادی اقتصادی محدود می‌شود. در این زمینه مطالعات دیگری چون آدس و تیلدا (Ades and Tella 1997)، گارتنی (Gwartney, 2000) و میسیک (Messick, 1996) انجام گرفته که طبق نتایج آنها افزایش آزادی اقتصادی سبب کاهش فساد مالی می‌گردد.

۶. تصریح مدل

با توجه به ادبیات بیان شده در خصوص عوامل مؤثر بر فساد مالی و اثرگذاری بخش‌های شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر بر این عوامل و همچنین با در نظر گرفتن تحقیقات قبلی از جمله گراف و مهلکوپ (۲۰۰۲) و آلباندرو، چافون و گازمن (۲۰۰۳) این مقاله سه مدل برای بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی ارائه داده است. در این مدلها عوامل مؤثر بر فساد مالی از نظرات تانزی، U.N.D.P، مائورو، و پاساس در نظر گرفته شده و اجزای آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر با توجه به تحلیل‌های بخش (۴) مقاله و جدول (۱) به عنوان شاخص جایگزین^۱ عوامل مؤثر بر فساد مالی مورد استفاده قرار گرفته است.

در مدل اول، فساد مالی تابعی از پنج بخش اصلی آزادی اقتصادی در نظر گرفته شده است، بر اساس این مدل، فساد مالی تابعی از اندازه دولت (بزرگی یا کوچکی دولت)، ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت هر کشور، ثبات پول یا وجود پول سالم، آزادی مبادله با خارجیها و ضوابط و مقررات مربوط به بازارهای کار، اعتبارات و کسب و کار است.

$$CRU = f(SIZ, LS, SM, FRT, REG)$$

$$cru_{it} = \beta + \beta_1 SIZ_{it} + \beta_2 LS_{it} + \beta_3 SM_{it} + \beta_4 FRT_{it} + \beta_5 REG_{it} + \mu_{it} \quad (1)$$

که در آن، CRU مقدار فساد مالی بر اساس شاخص سازمان شفافیت مالی، SIZ اندازه دولت، IS ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت، SM پول سالم^۱، Frt آزادی مبادله با خارجیها، و Reg ضوابط و مقررات در بخش اعتبارات، نیروی کار و کسب و کار می‌باشد.

با توجه به اینکه بخشهای اصلی شاخص آزادی اقتصادی دارای زیربخشهای متفاوتی می‌باشند که برخی از آنها بر فساد مالی اثرگذار هستند؛ اثر زیربخشهایی از شاخص آزادی اقتصادی که تأثیر زیادی بر فساد مالی داشته‌اند، در مدل دوم بررسی شده‌اند. به عبارتی مدل دوم، فساد مالی را تابعی از بخش اول شاخص آزادی اقتصادی یعنی اندازه دولت، بند دوم از بخش دوم شاخص آزادی اقتصادی یعنی وجود دادگاههای مستقل و چارچوب قضایی مورد اعتبار برای تجارت بخش خصوصی در اعتراض به فعالیتها و قوانین دولتی، بخش سوم یعنی پول سالم، بند اول از بخش چهارم یعنی اخذ مالیاتها از تجارت بین‌الملل و بند دوم و سوم بخش پنجم شاخص آزادی اقتصادی یعنی ضوابط و مقررات بازارهای کار و کسب و کار در نظر گرفته است. مدل دوم عبارت است از:

$$CRU = f(SIZ, SM, B_2, D_1, E_2, E_3)$$

$$cru_{it} = \beta_0 + \beta_1 SIZ_{it} + \beta_2 SM_{it} + \beta_3 B_{2it} + \beta_4 D_{1it} + \beta_5 E_{2it} + \beta_6 E_{3it} + \mu_{it} \quad (2)$$

که در آن متغیرهایی به مدل اول اضافه شده که عبارتند از: B_2 دادگاه مستقل و چارچوب قضایی مورد اعتماد برای تجارت بخش خصوصی در اعتراض به فعالیتها و قوانین دولتی، D_1 مالیات از تجارت خارجی، E_2 مقررات بازار کار، و E_3 مقررات ایجاد کسب و کار جدید. بنابراین، در مدل اول اثر اجزای اصلی شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر بر فساد مالی بررسی می‌شود و در مدل دوم اثر برخی از اجزای فرعی این شاخص بر فساد مالی. برای بررسی اثر کل شاخص آزادی اقتصادی بر فساد مالی نیز مدل سوم در این مقاله در نظر گرفته شده که در آن، فساد مالی، تابعی از کل شاخص آزادی اقتصادی است. این مدل عبارت است از:

$$CRU = f(EFW)$$

$$cru_{it} = \beta_0 + \beta_1 EFW_{it} + \mu_{it} \quad (3)$$

که در آن EFW مقدار کل شاخص آزادی اقتصادی بنیاد فریزر می‌باشد.

۱. نویسندگان عبارت «Sound Money» را «پول سالم» ترجمه کرده‌اند. این عبارت که زیربخش سوم شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر است بیانگر ثبات قدرت خرید پول می‌باشد. از این رو برای محاسبه آن از نرخ تورم استفاده شده است. به این صورت که هر چه تورم بالاتر باشد، قدرت خرید پول کمتر می‌شود و سلامت پول بیشتر به خطر می‌افتد.

۷. داده‌ها

هر سه مدل مورد بررسی به روش داده‌های تابلویی^۱ برای ۷۳ کشور^۲ طی چهار سال (۲۰۰۳-۲۰۰۰) برآورد شده است. داده‌های مربوط به شاخص آزادی اقتصادی از گزارش آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر در سال ۲۰۰۵ که در سایت اینترنتی این مؤسسه^۳ به صورت Excel موجود است گرفته شده و داده‌های مربوط به شاخص فساد مالی از گزارش فساد مالی سازمان شفافیت مالی (موجود در سایت این سازمان^۴) اخذ شده است.

۸. تخمین مدلها

در این مقاله، سه مدل با استفاده از رویکرد داده‌های تابلویی برای ۷۳ کشور طی سالهای (۲۰۰۳-۲۰۰۰) برآورد شده است. نتایج تخمین این سه مدل در جدول (۲) آمده است. در مدل اول اندازه دولت اثر مثبتی بر افزایش فساد مالی دارد، ولی این اثر بی‌معنی است. از آنجا که اندازه دولت زمانی فساد را افزایش می‌دهد که سازوکار بازار را مختل کند، احتمالاً وجود کشورهای نظیر نروژ که در آنها دولت، علی‌رغم بزرگ‌بودن، اخلاقی در سازوکار بازار ایجاد نمی‌کند؛ موجب شده تا این اثر در ۷۳ کشور و طی چهار سال بی‌معنی شود. در مدل دوم، این مقدار منفی است ولی باز هم بی‌معنی‌دار نیست. در مدل اول ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت، پول سالم و قانونگذاری دارای اثر مثبت و معنی‌دار بر فساد مالی می‌باشند. به این معنی که هر چه ساختار قضایی استقلال کمتری داشته باشد و امنیت حقوق مالکیت کمتر مورد توجه قرار گیرد؛ هر چه قدرت پول در حال نوسان باشد، کشور نرخهای تورم بالاتری را تجربه کند، و هر چه قانونگذاریهای زیاده‌تری در بخشهای کسب و کار، اعتبار و نیروی کار وجود داشته باشد، فساد مالی نیز افزایش می‌یابد. اثر آزادی مبادله با خارجیها در این مدل منفی است، ولی معنی‌دار نیست. از آنجا که آزادی مبادله با خارجیها شامل نه زیربخش می‌شود، در مدل دوم اثر تک تک این زیر بخشها بر فساد مالی بررسی شده است که در آن تأثیر درآمدهای مالیاتی از تجارت بین‌الملل مثبت و کاملاً معنی‌دار است.

در مدل اول، F لیمر برابر ۹/۰۷۸ است که بیانگر انتخاب مدل‌های Panel Data از روش ترکیبی^۵ است و مقدار تست هاسمن برابر ۲۴۳/۷ است که بر این اساس، فرض صفر مبتنی بر انتخاب مدل اثرات تصادفی^۶ رد شده و مدل اثرات ثابت^۷ انتخاب می‌شود. درجه توضیح‌دهندگی مدل نیز ۰/۹۸ می‌باشد.

1. Panel Data

۲. در جدول (۳) نام کشورها آمده است.

3. www.freetheworld.com

4. www.transparency.org

5. Fix Effect

6. Random Effect

7- Pooling

جدول ۲- نتایج تخمین سه مدل (۱)، (۲) و (۳)

متغیرهای مستقل	مدل اول	مدل دوم	مدل سوم
اندازه دولت	۰/۰۲۸۷(۰/۶۰۶)	-۰/۰۲۶(-۰/۵۴)	-
ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت	۰/۳۶(۸/۹۳)	-	-
پول سالم	۰/۱۱۸(۴/۴)	۰/۱۳۳(۴/۹)	-
آزادی مبادله با خارجیها	-۰/۰۲۹(-۱/۰۱)	-	-
ضوابط بازار کار، اعتبارات و کسب و کار	۰/۱(۱/۷۱)	-	-
وجود دادگاههای مستقل	-	۰/۰۵۹(۲/۱۶۶)	-
مالیات از تجارت خارجی	-	۰/۳۴۴(۶/۴۱)	-
مقررات بازار کار	-	۰/۰۷۶(۱/۳۵)	-
مقررات ایجاد کسب و کار جدید	-	۰/۰۶۸(۱/۹۷)	-
کل شاخص آزادی اقتصادی	-	-	۰/۱۸۷(۲/۴۴)
R^2	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۹
تست F لیمر	۹/۰۷۸	۹/۰۳۵	۹/۲۵
تست هاسمن	۲۳۴/۷	۲۸۲/۷	۹۱

توجه: اعداد داخل پرانتز بیانگر مقدار آزمون t استیودنت می‌باشد.

قابل ذکر است با توجه به آزمونهای لیمر و هاسمن در هر سه مدل، مدل داده‌های ثابت مورد تأیید بوده و انتخاب می‌گردد.

در مدل دوم، اثر اندازه دولت بر فساد مالی معنی‌دار نیست. یعنی طبق این مدل بزرگی یا کوچکی دولت اثر معنی‌داری بر فساد مالی ندارد. همچنین در این مدل، اثر ضوابط و مقررات بازار کار بر فساد مالی معنی‌دار نیست. در این مدل اندازه قدرت پول، استقلال دادگاهها و چارچوب قضایی معتبر برای تجارت بخش خصوصی در اعتراض به فعالیت‌های قوانین دولتی، میزان درآمد مالیاتی از تجارت و قانونگذاری در بخش تجاری اثر مثبت و کاملاً معنی‌داری بر فساد دارد. به این معنی که، هر چه قدرت پول بیشتر و مقدار تورم کشور کمتر باشد؛ بخش خصوصی در اعتراض به فعالیت‌های دولتی، دسترسی بیشتری به دادگاههای مستقل داشته باشد؛ و قانونگذاری دولت در بخش تجارت کمتر باشد و تجار راحت‌تر بتوانند مجوزهای تجاری را دریافت کنند، فساد مالی کمتر است.

در مدل سوم، فساد مالی تابعی از شاخص کل آزادی اقتصادی (EFW) در نظر گرفته شده است. تخمین این مدل نیز بیانگر اثر مثبت و معنی‌دار شاخص آزادی اقتصادی بر شاخص فساد مالی است. به عبارتی، هرچه آزادی اقتصادی یک کشور بیشتر باشد میزان فساد مالی در آن کشور کمتر و نمره شاخص فساد مالی بیشتر می‌گردد.

۹. نتیجه‌گیری

سوء استفاده از قدرت دولتی برای منفعت شخصی از دید نظریه‌پردازان فساد مالی، متأثر از عوامل مستقیم و غیرمستقیمی است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت. در کلیه این نظرات، دخالت دولت و اختلال آن در نظام بازار چه به طور مستقیم و چه از طریق قانونگذاری؛ سیاست‌های پولی؛ تعرفه‌ها و جلوگیری از تجارت؛ و دخالت در نظام قضایی کشور تأثیرات عمده‌ای بر فساد مالی دارد. از آنجا که در شاخص آزادی اقتصادی بنیاد فریزر تمامی این عوامل در نظر گرفته شده‌اند، این مقاله به بررسی اثرات این شاخص بر فساد مالی تحت سه مدل با رویکرد داده‌های تابلویی پرداخته است. نتایج بیانگر اثر منفی و معنی‌دار کل شاخص آزادی اقتصادی، دو بخش اصلی آزادی اقتصادی (یعنی ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت، و پول سالم) و سه زیربخش آزادی اقتصادی (یعنی وجود دادگاه‌های مستقل، مالیات از تجارت خارجی و مقررات ایجاد کسب و کار جدید) بر فساد مالی است.

منابع

۱. جانسون، بریان، هولمز، کیم، پاتریک، ملانی کرک (۱۳۷۹). شاخص آزادی اقتصادی سال ۱۹۹۹. ترجمه و تلخیص: امین، محمد ابراهیم. مجله برنامه و بودجه، شماره ۴۸، ص. ۱۳۴-۱۰۵.
۲. رهبر، فرهاد، میرزاوند، فضل الله، زال پور، غلامرضا (۱۳۸۱). بازشناسی عارضه فساد مالی (ماهیت، گونه‌ها، پیامدها و آموزه‌های تجربی). جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران. چاپ اول. جلد یکم.
۳. رهبر، فرهاد، میرزاوند، فضل الله، زال پور، غلامرضا (۱۳۸۱). بازشناسی عارضه فساد مالی (ماهیت، گونه‌ها، پیامدها و آموزه‌های تجربی). جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران. چاپ اول. جلد دوم.
۴. شهنازی، روح‌اله (۱۳۸۴). تأثیر آزادسازی اقتصادی بر رشد اقتصادی و درآمد سرانه (بررسی مقایسه‌ای بین کشورهای منتخب). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.
۵. میرجلیلی، سید حسین (۱۳۸۱). فساد مالی و اصلاحات اقتصادی در ایران. دومین همایش دو سالانه اقتصاد ایران «اصلاحات اقتصادی: مبانی نظری و برنامه عملی». پژوهشکده اقتصاد. دانشگاه تربیت مدرس.
6. Ades, A., Di Tella, R (1997) . The new economics of corruption: a survey and some new results. In: Heywood, P. (Ed.) , Political Corruption. Blackwell, Oxford, pp 80-100
7. Alejandro A. Chafuen and Eugenio Guzmán (2000) http://www.heritage.org/research/features/index/chapters/pdfs/Index2000_Chap3.pdf
8. Anti-Corruption Strategies, A Handbook on Fighting Corruption. A Framework to assist the united States Agency for inter National Development missions Develop Strategies to Public Corruption. October 1998.
9. Chafuen, A.A., Guzman, E (2000). Economic freedom and corruption. In: O'Driscoll, G.P., Holmes, K.R., Kirkpatrick, M. (Eds.) , Index of Economic Freedom. The Heritage Foundation, Washington, pp. 51- 63
10. Corruptin and Good Governance (1997). United Nation Development Programme. July.
11. De Haan, J., Sturm, J.E (2000). On the relationship between economic freedom and economic growth. European Journal of Political Economy 16, 215-241.
12. Doig, Alan., Rileg, Stephen (1999). Corruption and Anti-Corruption Strategies: Issues and Case Studies from Developing Countries. Corruption and Integrity Improvement Initiatives in Developing Countries.
13. Graeff, P., Mehlkop, G (2003). The impact of economic freedom on corruption: different patterns for rich and poor countries. European Journal of Political Economy Vol. 19 605-620.
14. Gwartney, J., Lawson, R (2000). Economic Freedom of the World 2000 Annual Report. The Fraser Institute, Vancouver.
15. Gwartney, J., Lawson, R., Samida, D (2005). Economic Freedom of the World 2005 Annual Report. The Fraser Institute, Vancouver.

16. Hongyi Li, Lixin Colin Xu and [Heng-Fu Zou](#). Corruption, Income Distribution, and Growth. *Economics and Politics*, 2000, vol 12 issue 2, pages 155-18.
17. Lambsdorff, J., 1999. The Transparency International Corruption Perception Index 1999—Framework Document. Transparency International, Berlin.
18. Li, Hongyi., Xu, Lixincolin., Zou, Heng-Fu (2000). Corruption, Income Distribution and Growth. *Economic and Politics* Volume 12 July 2000, No.2.
19. Mauro, Paolo(1995). Corruption and growth. *Quarterly Journal of Economics* 110, 681–712.
20. Mauro, Paolo (1997). The effect of corruption on growth, investment and government expenditure: A cross country analysis. *Corruption and global economy*. Washington DC. Institute from international economic.
21. Mauro, Paolo (1998). Corruption and the composition of government expenditure. *Journal of Public Economics*, 1998, vol 69 issue 2, pages 263-279
22. Messick, R.E. (1996). *World Survey of Economic Freedom 1995-1996 A Freedom House Study*. Freedom House and Transaction Publishers, New Brunswick.
23. Passas, nikos., *Causes and Consequences of Corruption*. 8 th International Anti-Corruption Conference.
24. Rose Ackerman, Susan (1978) “ *Corruption: A Study in Political Economy*,” New York: Academic Press.
25. Rose-Ackerman, Susan (1999). *Corruption and Global Economy. Corruption and Integrity Improvement Initiatives in Developing Countries*.
26. Rose-Ackerman, Susan (1999). *Corruption and Government*. Cambridge Univ. Press, Cambridge, UK.
27. Scott, J.C., 1972. *Comparative Political Corruption*. Prentice Hall, Englewood Cliffs.
28. Shyamal K. Chowdhury (2004). The effect of democracy and press freedom on corruption: an empirical test. *Economics Letters* 85, 93–101
29. Syed H. Akhter (2004). Is globalization what it's cracked up to be? Economic freedom, corruption, and human development. *Journal of World Business* 39 (2004) 283–295
30. Tanzi, V (1998). *Corruption around the world: causes, consequences, scope, and cures*. Working paper number 98/ 63 International Monetary Fund, Washington, DC.
31. Treisman, D (2000). The causes of corruption: a cross-national study. *Journal of Public Economics* 76, 399–457.
32. U.N.D.P. *Corruption and Good Governance*. Discussion Paper. No.3. July 1997.
33. World Bank (2000). *Helping countries combat corruption. Progress at the world bank since 1997. Operational Core Service & Poverty Reduction and Economic Management Network*. Washington DC. World bank.
34. www.freetheworld.com
35. www.transparency.org

پیوست

جدول-۳. کشورهای نمونه

آرژانتین	امریکا	پرتغال	زامبیا	کامرون	مجارستان
آفریقای جنوبی	اندونزی	پرو	زیمباوه	کانادا	مصر
آلمان	انگلستان	تانزانیا	ژاپن	کرواسی	مکزیک
اتریش	اوگاندا	تایلند	سنگاپور	کره جنوبی	موریتانی
اردن	ایتالیا	تایوان	سنگال	کلمبیا	نروژ
اسپانیا	ایران	ترکیه	سوئد	کنیا	نیجریه
استرالیا	ایرلند	تونس	سوئیس	لتونی	نیوزلند
استونی	ایسلند	جمهوری چک	شیلی	لوکزامبورگ	ونزوئلا
اسلواکی	برزیل	چین	غنا	لهستان	هلند
اسلونی	بلژیک	دانمارک	فرانسه	لیتوانی	هند
اکراین	بلغارستان	روسیه	فلیپین	مالزی	هنگ کنگ
اکوادور	بوستوانا	رومانی	فنلاند	مالی	یونان
السالوادور					

جدول-۴. اجزای شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر

<p>۱- اندازه دولت</p> <p>الف- هزینه‌های مصرفی دولت به عنوان درصدی از کل مصرف</p> <p>ب- سوبسیدها و پرداختهای انتقالی به عنوان درصدی از GDP</p> <p>ج- بنگاههای دولتی و سهم سرمایه‌گذاری دولتی از کل سرمایه‌گذاری</p> <p>د- بالاترین نرخ نهایی مالیات:</p> <p>۱- بالاترین نرخ نهایی مالیات بر درآمد (بدون در نظر گرفتن مالیات بر حقوق و دستمزد)</p> <p>۲- بالاترین نرخ نهایی مالیات بر درآمد و حقوق (با در نظر گرفتن مالیات بر حقوق و دستمزد)</p>
<p>۲- ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت</p> <p>الف- استقلال قضایی - قضاوت، مستقل از دخالت دولت و یا احزاب می‌باشد.</p> <p>ب- دادگاههای بی‌طرف - چارچوب قضایی مورد اعتماد برای تجارت بخش خصوصی در اعتراض به فعالیتها و قوانین دولتی وجود دارد.</p> <p>ج- حمایت از مالکیت فکری</p> <p>د- دخالت ارتش در حاکمیت قانون و فرایند سیاسی (میزان حق قانونی ارتش برای دخالت در محافل سیاسی)</p> <p>ه- یکپارچگی نظام حقوقی</p>

ادامه جدول -۴.

<p>۳- دسترسی به پول سالم</p> <p>الف- متوسط نرخ رشد سالانه عرضه پول در ۵ سال گذشته منتهی متوسط رشد سالانه GDP واقعی در ۱۰ سال گذشته</p> <p>ب- استاندارد تغییرات نرخ تورم در پنج سال گذشته (متوسط نرخ تورم)</p> <p>ج- نرخ تورم فعلی</p> <p>د- وجود آزادی برای باز کردن حسابهای جاری ارزی بانکی در داخل و خارج کشور</p> <p>۴- آزادی مبادله با خارجیها</p> <p>الف- مالیاتها در تجارت بین الملل:</p> <p>۱. درآمدهای مالیاتی از تجارت بین الملل به عنوان درصدی از صادرات به اضافه واردات</p> <p>۲. متوسط نرخ تعرفه</p> <p>۳. انحراف معیار نرخهای تعرفه</p> <p>ب- موانع تجاری نظارتی:</p> <p>۱. موانع نا مشهود وارداتی</p> <p>۲. هزینه‌های وارداتی-تعرفه‌های وارداتی، پرداخت مجوزها، پرداختهای بانکی و زمان مورد نیاز برای ترخیص کالا که همگی روی قیمت کالای وارداتی اثر می‌گذارند.</p> <p>ج- اندازه واقعی بخش تجارت در مقایسه با اندازه مورد انتظار آن</p> <p>د- تفاوت بین نرخ ارز رسمی و نرخ ارز بازار سیاه</p> <p>ه- کنترل‌های بازار سرمایه بین الملل:</p> <p>۱. محدودیت دسترسی شهروندان به بازارهای سرمایه خارجی و دسترسی خارجیها به بازارهای سرمایه داخلی</p> <p>۲. محدودیت در آزادی شهروندان برای معامله در بازار سرمایه خارجی.</p>
<p>۵- ضوابط در بخشهای اعتبارات، بازار نیروی کار و کسب و کار</p> <p>الف- ضوابط بازار اعتبار:</p> <p>۱. وجود بانک خصوصی-درصد سپرده نگهداری شده در بانک خصوصی</p> <p>۲. رقابت-رقابت بانکهای داخلی در مقابل بانکهای خارجی</p> <p>۳. گسترش اعتبارات-درصد توسعه اعتبارات در بخش خصوصی</p> <p>۴. اجتناب از کنترل‌های نرخ بهره و قوانینی که منجر به نرخ بهره واقعی منفی شود.</p> <p>۵. کنترل‌های نرخ بهره-نرخ بهره در سپرده بانکها توسط بازار تعیین شود.</p> <p>ب- ضوابط بازار کار:</p> <p>۱. فشار حداقل دستمزد-حداقل دستمزدی که توسط قانون وضع می‌شود بخاطر اینکه خیلی پایین است و یا اینکه مورد اجرا قرار نمی‌گیرد اثر کمی روی دستمزدها دارد.</p> <p>۲. شیوه‌های استخدام و اخراج نیروی کار- که به واسطه قراردادهای خصوصی تعیین می‌شود.</p> <p>۳. سهم نیروی کار، که دستمزد آن توسط قدرت چانه زنی تعیین می‌شود.</p> <p>۴. مزایای بیکاری- سیستم مزایای بیکاری که انگیزه کارکردن را حفظ می‌کند.</p> <p>۵. سرپازگیری ارتش- در به دست آوردن پرسنل نظامی</p> <p>ج- ضوابط کسب و کار:</p> <p>۱. کنترل‌های قیمتی- اندازه‌ای که تجار آزادند که قیمت‌های مستقل خود را وضع کنند.</p> <p>۲. شرایط اداری برای شروع کسب و کارهای جدید- رویه‌های اداری موانع مهمی برای شروع یک تجارت جدید می‌باشند.</p> <p>۳. زمان صرف شده در پروکراسی اداری-مدیریت ارشد میزان قابل ملاحظه‌ای از زمان را در بوروکراسی دولتی صرف می‌کند.</p> <p>۴. شروع یک فعالیت جدید- شروع آسان یک فعالیت جدید</p>

